

## راهبردهای قرآنی تحقق بیانیه گام دوم انقلاب

وحید سلیمی<sup>۱</sup>

### چکیده

«بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران که «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. برپایی تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور به عنوان یک هدف در بیانیه گام دوم مورد تأکید است. برنامه بلندمدتی که نیاز به تدوین راهبرد و برنامه عملیاتی دارد. پرسش اصلی مقاله مبتنی بر این گزاره است که «راهبردهای قرآنی تحقق بیانیه گام دوم کدامند؟» تبیین راهبردهای قرآنی بیانیه گام دوم یکی از اهم موضوعات پژوهش پیرامون این بیانیه است که با هدف پیشبرد مفاد آن ارائه می شود، پژوهش پیش رو با شیوه توصیفی و تحلیلی و با بهره گیری از آیات ضمن تبیین مفهومی اصطلاح راهبرد و تمدن، اهم موارد آن را مورد نظر قرار داده است. نتایج این مطالعات در سه حوزه مورد بحث نشان داد که ۱. راهبرد تولید علم و فناوری یکی از پایه های تمدن سازی است البته علمی متصل به وحی و نه مبتنی بر عقل بشری، ۲. اقتصادی مقاوم و مستقل بدون وابستگی به بیگانگان که با تکیه بر توان داخلی از درون جامعه اسلامی جوشش داشته باشد بهترین راهبرد اقتصادی از نگاه قرآن است، ۳. بصیرت آحاد جامعه به ویژه نخبگان و عبرت پذیری از تاریخ قطب نمای دست یابی به بصیرت در رسیدن به تمدن اسلامی است.

کلیدواژگان: بیانیه، گام دوم انقلاب، تمدن نوین اسلامی، قرآن کریم، مقام معظم رهبری

## مقدمه

واژه استراتژی<sup>۱</sup> معادل فارسی راهبرد است. تعاریف راهبرد در مفاهیم مدیریتی متنوع است، عناصر کلیدی آن ثابت است: اول شناسایی توانایی‌ها و ضعف‌های خود و رقیب (دشمن) و دوم کسب مزیت رقابتی پایدار (وجه تمایز و برتری). با توجه به تغییرات محیطی که در حال حاضر شتاب زیادی به خود گرفته است و پیچیده شدن تصمیمات سازمانی، لزوم بکارگیری برنامه‌ای جامع برای مواجهه با این‌گونه مسائل و برای شکل دادن به آینده به شکلی اثربخش (کنترل آینده) بیشتر از گذشته ملموس می‌شود. راهبرد یعنی تعیین اهداف بنیادی بلند مدت، اتخاذ شیوه کار و تخصیص منابع لازم برای تحقق اهداف می‌باشد. راهبرد برای عمل است که جهت‌گیری‌های عمده سازمان را مشخص می‌کند (رابینز، ۱۳۹۶: ۲۰۳) راهبرد تصویری از آینده، فرصت‌ها و تهدیدهای آن به دست می‌آورد که با استفاده از آن می‌توان دورنمای حقیقی سازمان را ترسیم کرد (کردنائیج، ۱۳۹۶: ۸۳)

یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که سازمان‌ها برای حصول موفقیت در آینده می‌توانند از آن بهره‌گیرند «مدیریت راهبردی» خواهد بود. انقلاب اسلامی نیز در همین راستا به دنبال مدیریت راهبردی است تا بتواند از ظرفیت‌های داخلی و خارجی به نحو مطلوب بهره‌برداری کند به همین دلیل مقام معظم رهبری بیانیه گام دوم انقلاب را که هدف نهایی آن شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است را بیان نمودند.

## تمدن نوین اسلامی

دومین واژه‌ای که باید درباره آن توضیحی بیان شود تمدن نوین اسلامی است. از بررسی سخنان مقام معظم رهبری بر می‌آید که منظور از تمدن، همان پیشرفت و ترقی است. ایشان می‌فرمایند: «پیشرفت همه‌جانبه را اگر به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم این تمدن دارای دو بخش ابزاری و حقیقی خواهد بود که سبک زندگی، بخش حقیقی آن را تشکیل

می‌دهد. ما در بخش ابزاری پیشرفت خوبی داشته‌ایم اما در بخش حقیقی خیر و باید آسیب‌شناسی کنیم» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۲۳/۷/۱۳۹۱). علامه جعفری می‌گوید: «تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم‌مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعلیت رسیدن استعدادها سازنده آن باشد (جعفری، ۱۳۷۵: ۱۶).

بنابراین مراد از تمدن نوین اسلامی، پیشرفت همه‌جانبه مظاهر مادی و معنوی مسلمانان در دو بخش سخت‌افزاری از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و... و بخش نرم‌افزاری به‌عنوان حاکمیت سبک زندگی در همه مظاهر زندگی، بر اساس عقلانیت دینی معرفتی در جهت پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی است. تمدن نوین اسلامی در پی آن است که ضمن بهره‌برداری از امکانات و ابزارهایی که در اثر پیشرفت‌های علمی و فنی تمدنی بشر به دست آمده است، در کنار ایجاد رفاه و آسایش مادی، آرامش معنوی بشر را نیز به او عطا نماید. در واقع تمدن نوین اسلامی، تمدنی است که ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها بعد معنوی و روحی آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند و این ساختار مطلوب که ریشه در برنامه‌های انسان‌ساز اسلامی دارد نه تنها بعد مادی و سخت‌افزاری تمدن را نفی نمی‌کند بلکه به آن جهت داده و آن‌را از آفاتی که بشر دچار آن شده است نجات خواهد داد و لازمه رسیدن به این هدف عظیم، یک اراده و حرکت عمومی در کشور و به تعبیری، حرکتی جهادی دائمی است.

از منظر قرآن سرنوشت، سعادت و شقاوت هر جامعه، منوط به مبارزه صالحین و فاسدین آن جامعه است «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱) "خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند" نگاه قرآن به تحولات اجتماعی و توسعه و تمدن بشری، بر چنین نگرشی استوار

است؛ زیرا در این آیه به روشنی بیان می‌شود که توسعه و تحوّل اجتماعی، مبتنی بر تحوّل درونی و روانی افراد است. البته این تحوّل باید در سطحی فراگیر و گسترده انجام گیرد تا به تحوّل در جامعه منتهی شود. لذا تحوّل درونی، یک تحوّل بنیادین است و تحوّل دیگر، همه از آن نشأت می‌گیرند. کشف و استخراج راهبردهای تحقق هدف بیانیه گام دوم می‌تواند از منابع گوناگونی انجام شود که بهترین منبع جهت استخراج راهبردها "قرآن کریم" می‌باشد؛ حال سؤال این است که راهبردهای قرآنی تحقق بیانیه گام دوم انقلاب چیست؟

### راهبردهای قرآنی تحقق بیانیه گام دوم انقلاب

تبیین راهبردهای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب از زوایای گوناگونی قابل بررسی است. این مقاله از جنبه قرآنی راهبردهای قرآنی تحقق بیانیه گام دوم انقلاب را در سه حوزه علم و پژوهش، بصیرت‌افزایی و اقتصاد مورد بررسی قرار داده است. البته راهبرد قرآنی نیز در این موضوع فراوان می‌باشد ولی سعی نگارنده بر آن بوده است که از میان راهبردهای فراوانی که در این حوزه مطرح است راهبردهایی را انتخاب کند که دارای اهمیت فراوان می‌باشد و یا بدان‌ها کمتر پرداخته شده است.

#### ۱. راهبرد علم و پژوهش

یکی از مهمترین ارکان تمدن نوین اسلامی توجه ویژه آن به علم و پژوهش است. از نگاه مقام معظم رهبری تمدن اسلامی تمدنی است که در آن علم همراه با اخلاق است و تولید علم مقدمه رسیدن به پیشرفت است. از این رو می‌توان این ادعا را مطرح کرد که علم پایه تمدن است اگر چه شرط کافی برای مدنیت نیست. تا آن جا که قرآن کریم، صاحبان علم را به درجات رفعت و بزرگی نوید می‌دهد: «یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجاتٍ والله بما تعلمون خبیر» (مجادله / ۱۱) "خدای تعالی مؤمنین را به یک درجه، و علم داده‌شدگان را به چند درجه برتری داده و خدا"

قرآن کتاب انسان شناسی است و غالب آیات آن با محوریت انسان و با هدف جهت

دهی به رفتار انسان در مسیر اصلاح و بهبود عملکرد او نازل شده است. تمام جهان هستی برای او خلق شده است. این نشان از اهمیت جایگاه خلیفه الهی انسان و مسئله شناخت او از نگاه قرآن است. بنابراین گزاف نیست که گفته شود انسان شناسی و علوم انسانی پایه تمام علوم است. جامع‌ترین و مطمئن‌ترین راه شناخت انسان رجوع به آفریننده انسان و بهره‌گیری از آموزه‌های وحیانی در این زمینه است؛ استخراج علوم انسانی برای شناخت انسانی که تمام جهان آفرینش بهانه خلقت اوست از کتابی که غالب آیات آن مرتبط با موضوع انسان و جهت دهی عملکرد او به سمت سعادت اوست می‌تواند نوید بخش دستیابی به تمدن نوین اسلامی باشد. استخراج علوم انسانی از قرآن کریم و استفاده کاربردی از آن نیازمند تغییر اساسی در زیر ساخت‌های علمی و فرهنگی کشور از جمله مؤسسات آموزشی در راستای تمدن سازی اسلامی می‌باشد. فرآیند عمیق که نیازمند به یک کار پژوهشی گسترده و هزینه بالایی است. در این میان اعتقاد مقام معظم رهبری به این مهم، تولید علم در تمام علوم است. چرا که تولید و رشد علم لازمه پیشرفت و استقلال است. ایشان معتقدند که تولید علم منحصر به تولید علوم تجربی نیست بلکه علوم انسانی نیز برای پیشرفت مهم و ضروری است. ایشان نگاه اجتهادی در تولید فکر را به عرصه‌ای فراتر از فقه توسعه داده و تأکید دارند. «نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فن‌آوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما و تا روابط بین‌الملل و... همه از لوازم این تمدن سازی است» (امام خامنه‌ای، بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۰۲/۰۹).

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22405>

همانطور که قبل اشاره شد در تعریف تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری، نسبت و نقش علوم انسانی با بخش‌های مختلف تمدن نوین اسلامی و فرایند تحقق آن تبیین شده است. رهبری، تمدن را بستر پیشرفت همه‌جانبه انسان می‌داند و پایه و بخش اصلی تمدن را تعالی معنوی و سبک زندگی اسلامی، و بخش ابزاری تمدن را رشد مادی انسان یعنی علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی می‌داند.

اما از آنجا که بشر موجودی است دارای چهار جنبه انسانی آدمی، حیوانی و نباتی و با وجود همین چهار جنبه است که به کمال مطلق و حقیقی خود می‌رسد، برای اینکه این چهار جنبه هر کدام در مسیر صحیح خود قرار بگیرند و بشر را در راستای هدف خلقتش قرار بدهند نیاز به علمی انسان‌ساز می‌باشد که این چهار جنبه را رهبری و هدایت کند؛ علمی که جنبه انسانی و منابع موجود در انسان را بشناسد و آنها را پرورش و رشد دهد و توانمندی‌های او را آشکار ساخته و به فعلیت برساند. از چنین علمی به علوم انسانی تعبیر می‌کنیم. در اهمیت جایگاه این علوم باید به این نکته توجه داشت اگر چه بشر امروزی در حوزه علوم تجربی به پیشرفت‌های فوق‌العاده‌ای دست پیدا کرده است اما علیرغم این پیشرفت هنوز به هدف اصلی خلقت خود دست پیدا نکرده است. این در حالی است که در عصر کنونی کانون توجه بیشتر به علوم تجربی و جسم انسان است تا روح انسان که حقیقت وجودی را تشکیل می‌دهد. زیرا انسان مرکب از جسم و روح است و باتوجه به جایگاه خلیفه الهی خود بر روی کره زمین مخاطب قرآن قرار گرفته است. به همین دلیل بیشتر آیات مربوط به انسان و رفتار اوست. این نشان از اهمیت و رجحان علوم انسانی نسبت به علوم تجربی دارد. با نگاهی به سیستم آموزش در کشورهای پیشرفته مثل ژاپن و آلمان می‌توان پی برد که دانشجویان باهوش در این کشورها بیشتر در حوزه‌های علوم انسانی ادامه تحصیل داده و جذب بازار کار می‌شوند؛ این در حالی است که بسیاری از دانشجویان در کشور ما بیشتر گرایش به رشته‌های فنی دارند و اقبال چندانی به رشته‌های علوم انسانی نشان نمی‌دهند. به همین دلیل در راهبرد مورد بحث شایسته است به اصل انسان که موضوع علوم انسانی است اشاره شود. این راهبردها عبارتند از:

### ۱. استخراج مبانی علوم انسانی در قرآن

آغاز علم بر روی کره خاکی که مهد تمدن‌های بشری بوده است توسط وحی الهی بر پیامبر خاتم انجام گرفته است (بقره/۳۵، علق/۵) و پیامبران معلمان بشر معرفی شده‌اند (بقره/۱۵۱، آل عمران/۲۳) بنابراین انسان شناسی پایه و اساس تمامی علوم انسانی است.

یکی از عناصر و ارکان اصلی در انسان شناسی قرآنی این است که انسان یک موجود تک بعدی و تک ساحتی نیست، بلکه انسان موجودی چندساحتی یا دو بعدی است، یعنی انسان هم بعد مادی و هم بعد مجرد دارد که در آیه‌های مختلف قرآن کریم بر این موضوع تاکید بسیاری شده است. از نگاه رهبر معظم انقلاب علوم انسانی اسلامی روح دیگر علوم است و در زندگی انسان نقش مهمی ایفا می‌کند. قرآن کریم پیروان خود را به تفکر درباره قوانین طبیعت فرا خواند، و یکی از ارکان دعوت انبیا، فراخوانی بشر به فهم و درک بیشتر و آشنایی با آیات خودشناسی و جهان شناسی بوده است. دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه در این رابطه اینچنین است: "لبّ انسانیت همان روح مجرد و نفس ناطقه انسان است که از تجرد عقلانی و وحیانی برخوردار است. (خمینی، ۱۳۷۹: ۵ / ۱۵۵) سیر و حرکت این موجود متحرک به سوی کمال در اثر تربیت انسان کامل است (خمینی، ۱۳۷۹: ۲ / ۲۵۵)

نتیجه اینکه در انسان شناسی قرآنی به بُعد فطرت الهی انسان اشاره شده است و براساس آن می‌توان اظهار داشت، انسان موجودی است که فطرت الهی دارد و باید در علوم انسان شناسی به این فطرت توجه ویژه‌ای شود. موضوع آخرت گرایی بعد دیگری است که باید در علوم انسان شناسی قرآنی مورد توجه قرار گیرد. بنابراین تک بعدی نبودن انسان، فطرت الهی او و آخرت گرایی، سه عنصر اصلی و سه رکن شاخص در استخراج مبانی علوم انسانی در قرآن به شمار می‌آیند. مبانی علوم انسانی را می‌توان با استفاده از منبع اصلی آن استخراج و مورد بهره برداری قرار داد. از ملاک‌های نوین بودن تمدن نوین اسلامی در زمینه دانش و پژوهش، ارائه و ترسیم الگو و مدل جدید در زمینه تولید علم است به طوری که منشأ این تولید علم با رویکردی از درون جامعه اسلامی باشد نه با تقلید از تمدن غربی.

## ۲. گفتمان سازی تولید علم:

قرآن معجزه پیامبر اسلام به صورت کتاب نازل شد؛ کتابی که پر است از آیاتی با واژه‌هایی از قبیل "قال، قالوا، قل، قیل اقرء و... که نشان از گفت وگوهای فراوان در این کتاب با اهدافی مشخص دارد. کتابی که با هدف گفتمان سازی علمی به مناظره‌های علمی از

جمله مناظره حضرت ابراهیم و نمرود و حضرت موسی و فرعون پرداخته است در بسیاری از دیگر آیات آن می‌توان گفتمان سازی علمی را مشاهده نمود. این در حالی است که در باور مقام معظم رهبری، گفتمان‌سازی تولید علم معنای خاصی دارد که بیش‌تر بر نوآوری علمی اطلاق می‌شود و این دقیقاً رودروی دیدگاه ترجمه و رونوشت‌برداری قرار دارد که جریان تحجر و وابستگی از آن پیروی می‌کند. ایشان در ضرورت تولید فکر و علم برای تمدن‌سازی بر این باورند که «پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فن‌آوری و علم که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۷۳/۰۱/۰۱) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2708>). رسیدن به این غایت و برپایی تمدن نوین اسلامی نیازمند شاخص‌هایی است که یکی از این شاخص‌های اساسی تولید علم و فناوری است. علم هم زمینه‌ساز ایجاد تمدن است و هم به بقاء و تداوم و شکوفایی آن نیز کمک می‌کند. شاخص علم و تولید علم و فناوری یکی از پایه‌های تمدن‌سازی و بقاء آن است. البته علمی متصل به وحی و نه مبتنی بر عقل بشری. در این صورت است که تولید علم در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی خواهد بود.

### ۳. تکریم و حمایت از دانشمندان

قرآن کریم خداوند را بعنوان اولین معلم بشر معرفی می‌کند (بقره/۳۳، الرحمن/۲، علق/۱ تا ۵). همانطوری که در آیات قرآن به اهمیت علم و تعقل پرداخته شده است در مورد تکریم دانشمندان دینی نیز آیاتی از قبیل مجادله/۱۱، فاطر/۲۸ نازل شده است؛ زیرا تولید علم بدون بزرگداشت دانشمندان و عالمان میسر نمی‌شود و اساساً از نگاه قرآن علم‌آموزی در کنار اخلاق و معنویت است که می‌تواند زمینه ساز کمال انسان و پیشرفت واقعی شود. بنابراین در این مکتب تربیت و آموزش انسان از ارزش والایی برخوردار است و رسالت یک معلم که همانند رسالت پیامبران در هدایت و تعالی بشر به سوی سعادت و کمال است نیز از جایگاهی والا برخوردار است. تکریم معلم و دانشمندان یک جامعه بسامد و نفع‌دو جانبه است؛ وقتی جامعه و افراد منزلت دانشمندان را رعایت می‌کنند که روح و جان افراد را



پرورش داده و به سوی رشد و تعالی سوق می‌دهد بنابراین تکریم و حمایت از این دانشمندان در واقع حمایت از رشد و تعالی انسانی است که در مسیر تمدن نوین اسلامی در حرکت است.

#### ۴. هم‌افزایی علمی به شیوه احسن و با رعایت استقلال علمی:

اسلام دینی است جهانی و فراگیر و به منطقه و گروه خاصی اختصاص ندارد و همه انسانهای در همه زمانها مخاطب دعوت اسلام اند. «یا ایها الناس ائى رسول الله الیکم جمیعاً» (اعراف/ ۱۵۸) "ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم؛ همان خدایی که حکومت آسمانها و زمین، از آن اوست" و روابطی را که مصالح اسلام و جامعه اسلامی را به خطر نینداخته و عزت و استقلال جامعه اسلامی را خدشه دار نمی‌کند، اجازه می‌دهد. جامعیت و جهان شمولی این آیین توحیدی ایجاب می‌کند که با همه ملتها و فرهنگ و با هرگونه اعتقادات ملی و دینی در پیوند باشد تا بتواند پیام توحید را به آنان برساند و آنان را به اسلام دعوت کند. شهید مطهری معتقد است: "چنین نیست که برای حفظ اصالت و شخصیت فرهنگ اسلامی نباید از تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیگر بهره گرفت. هیچ فرهنگی در جهان نیست که از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر بهره نگرفته باشد، بلکه چگونگی بهره‌گیری و استفاده از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر مهم است" (مطهری، ۱۳۸۷: ۱/ ۱۸۱۷) بر همین مبنا اسلام قید و محدودیت را از نظر استاد و معلّم برداشته است. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «كَلِمَةُ الْحِكْمَةِ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهِيَ أَحَقُّ بِهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲/ ۹۹)؛ یعنی "سخن علمی و حکیمانه و متقن گم شده مؤمن است. هر جا آن را بیابد، آن را مال خودش می‌داند و برمی‌دارد. مسلمان و کافر بودن طرف مقابل برایش اهمیتی ندارد." بنابراین می‌توان گفت یکی از وظایف مسلمان نسبت به غیرمسلمان تبلیغ و ترویج عقیده اسلامی است که با گوشه‌گیری و قطع رابطه سازگار نیست. این در حالی است که از منظر قرآن کریم، اگر مشرکی سودای شنیدن و فهمیدن داشت نباید متعرضش شد و اگر پناه و امنیت خواست باید به او امنیت داد. نه تنها، متعرض او نشد، بلکه باید حفظ و حراستش

کرد و او را به محل امن خودش رساند: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه/۶)؛ "و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود، سپس او را به مکان امنش برسان". پس هنگامی که در آیینی به مشرک مهلت داده می‌شود تا شبهاتش را بیان کند و از روی فکر اسلام را بپذیرد، در همان آیین برای آموختن علم درست و مطابق با واقع از غیرمسلمان، هیچ منع و محدودیتی وجود ندارد. از امام صادق علیه السلام روایت شده است منظور از مجادله در «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/۱۲۵) "با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن" مجادله از طریق قرآن است. (نورالثقلین حویزی، ج ۳، ۹۵، ح ۲۶۵) در این آیه خداوند متعال مجادله را با قید احسن همراه نموده است. اگر چه این مشی قرآن برای دعوت مخالفان و غیر هم‌کیشان به دین اسلام است اما مانعی نیست که همین مشی قرآن (مناظره احسن) در سایر مراوده‌ها با دیگر کشورها در موضوعاتی از جمله هم‌افزایی علمی بهره برد. در تاریخ نقل است که پیامبر صلی الله علیه و آله زید بن ثابت را با هدف مذاکره علمی با یهودیان مأمور نمود تا تورات را بیاموزد و در جلسات یهودیان شرکت نماید. هر چند که با الهام از آیه نفی سبیل مسلمانان باید در زمینه علم و پژوهش به حدی از پیشرفت و ارتقا برسند تا وابستگی علمی خود را از بیگانگان قطع کنند اما این استقلال و خودکفایی علمی مانع از تعاملات و هم‌افزایی علمی با دیگران نیست. دقت در سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نشانگر این واقعیت است که تلاش می‌کرد با ملتها و دولتهای گوناگون ارتباط برقرار سازد و گستره فکری اسلام را هر چه بیش تر به گوش جهانیان برساند. گسترش فرهنگ و تفکر توحیدی آیین اسلام امری نیست که بدون داشتن رابطه و مبادله میسر باشد. در سالهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی امام خمینی در پاسخ به سخنان افرادی که می‌گفتند اکنون حکومت اسلامی برقرار شده و رابطه با سرزمینها و کشورهای کفر و دولتهای غیراسلامی نباید باشد فرمودند: "این معنی که گاهی اهل غرض یا جهال این حرف را می

زنند که ما نباید روابط داشته باشیم، از باب این است که یا نمی‌فهمند یا غرض دارند، زیرا تا انسان جاهل یا مخالف اصل نظام نباشد، نمی‌تواند بگوید یک نظام باید از دنیا منعزل باشد... اسلام یک نظام اجتماعی و حکومتی است و می‌خواهد با همه عالم روابط داشته باشد. در زمان صدر اسلام که خود رسول الله سفیر می‌فرستادند به اطراف این حرف را نمی‌زدند. در هر صورت ما باید روابط داشته باشیم، آنها که غرض ندارند ما هم با آنها غرض نداریم. کم‌کم باید روابط حسنه بشود. من امیدوارم این عمل را انجام دهید و دولت هم موفق باشد، منتها نباید تحت سلطه خارجی باشیم. نباید آنها در امور ما دخالت بکنند و به ما خط بدهند" (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۹/۲۴۲)

پس یکی از علل اساسی پیدایش و گسترش تمدن اسلامی، تسامح و تساهلی است که اسلام نسبت به همزیستی با غیرمسلمانان، به ویژه اهل کتاب، قایل است. البته با رعایت شرایط و ضوابطی که دیگر آیات قرآن به آن اشاره دارد. بنابراین مناظره و تبادل فکر و دیدگاه در مسائل علمی از جمله علوم انسانی با رعایت شرایط و ضوابط خاص خود می‌تواند به عنوان یک راهبردی در ارتقای حوزه دانش و پژوهش مورد استفاده قرار بگیرد.

باید دانست اگر چه اسلام بر روابط انسانی بر پایه اعتقاد تأکید دارد اما محدودیت‌هایی نیز برای روابط میان جامعه و دولت اسلامی با بیگانگان از کافران و مشرکان قائل شده است. محدودیت روابط با غیرمسلمانان در راستای حفاظت از تأثیرپذیری جامعه و دولت اسلامی و سلطه بیگانگان است و گرنه دعوت و تبلیغ دین اسلام در میان آنان بدون داشتن ارتباط امکان‌پذیر نیست: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء/۱۴۱)؛ خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است. بنابراین، دین اسلام با ملاحظات دقیق روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، برای حفظ دین افراد و رسیدنشان به سعادت ابدی، مصالح اسلام و جامعه اسلامی، عزت و استقلال جامعه اسلامی، روابط مسلمانان با غیرمسلمانان را محدود کرده و این تعصب کاملاً منطقی و شایسته است.

### ۵. تقویت روحیه خودباوری و ایجاد روحیه پرسش‌گری و اجتهاد علمی

همان‌طور که علم به شکل‌گیری و پی‌ریزی تمدن‌ها منجر می‌شود و مایه رشد و تعالی آن‌ها می‌شود در صورت انحراف و جمود و تحجر به زوال تمدن‌ها سرعت خواهند بخشید. "تحجرگرایی به معنای ایستایی و تحول‌ناپذیری در حوزه اندیشه و تفکر به عنوان عاملی بازدارنده در شکوفایی اندیشه دینی و رکود تمدن اسلامی به حساب می‌آید" (اسلامی فرد، ۱۳۸۹: ۳۲). بنابراین یکی از عوامل انحراف امت‌ها و حکومت‌های گذشته، جهالت و سفاقت آنان بوده است؛ به واقع روحیه تحجر و فقدان روحیه پرسش‌گری امت‌های گذشته سبب شد تا ابایی از تقلید کورکورانه نداشته باشند و خود را از هر اندیشه و فکر تازه‌ای محروم نکنند. این در حالی است که رویکردی و اهمیتی که قرآن برای تعقل قائل است ناشی از اهمیت این موضوع است و می‌توان با نگاه به مشتقات واژه‌های مشابه در قرآن مورد توجه قرار داد. به عنوان مثال در قرآن واژه تعقل و مشتقات آن مانند (افلا تعقلون) ۴۹ بار، واژه تدبر و مشتقات آن مانند (افلا يتدبرون) ۴۴ بار، واژه تفکر و مشتقات آن مانند (افلا يتفكرون) ۱۸ بار و واژه علم و مشتقات آن مانند (قل رب زدنی علما) ۷۸۰ (طه/۱۱۴) بار آمده است. بنا براین بر اساس آیات قرآن می‌توان گفت دین الهی بر پایه و محور اندیشه، تعقل، تدبر، تفکر و تعلم است. ممکن است انسان با تعقل، تدبر، تفکر به نتیجه مطلوب دست پیدا نکند در این حالت می‌تواند از ابزار پرسش‌گری بهره‌بردار. قرآن کریم در مورد پرسش‌گری می‌فرماید «فَسْئَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل/۴۵) "و اگر شما نمی‌دانید از آگاهان پرسید". "اهل ذکر" از نظر مفهوم لغوی، تمام آگاهان و مطلعان را در بر می‌گیرد و آیه فوق بیانگر يك قانون کلی عقلایی در مورد "رجوع جاهل به عالم" است، هر چند مورد و مصداق آیه، دانشمندان اهل کتاب بودند ولی این مانع کلیت قانون نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۳/۳۶۱) سؤال از اهل ذکر و رجوع به کارشناس، يك اصل عقلایی است و در این آیه مراد از اهل ذکر علمای یهود و نصاری هستند. تا پرسش از اهل نشود به علم دست پیدا نمی‌شود؛ چون اهل و متخصص هر چیزی نسبت به آن چیز داناترند. در تفسیر

المیزان آمده است: "پس کسانی که می‌خواهند نسبت به آن چیز اطلاع بدست آورند لازم است به اهل آن مراجعه کنند، و اهل کتابهای آسمانی همان دانشمندانی هستند که تخصصشان در علم آن کتاب و عمل به شرایع آن است آنها اهل خبره و عاملین به آن علمند، پس دیگران باید به آنان مراجعه نمایند". (طباطبایی، ۱۴۱۸ق: ۱۲/۳۷۳) در سیره معصومین علیهم‌السلام ایجاد روحیه پرسش‌گری در میان اصحاب و شاگردان قابل مشاهده است. به عنوان نمونه رویکرد امام صادق علیه‌السلام در روش تدریس ایشان به گونه‌ای بود که شاگردان با روحیه پرسش‌گری و اجتهاد علمی تربیت می‌شدند.

از این رو اسلام علاوه بر لزوم کسب روحیه اجتهاد و پرسش‌گری تأکید بر کسب علم و دانش تأکید نموده و در موارد بسیاری بر برتری عالمان تصریح می‌نماید «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله/۱۱)، «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر/۹). در نتیجه از نگاه قرآن و آموزه‌های اسلامی خودباوری برای انسان می‌تواند از مشکلات و تگناها سکوی پرتاب بسازد. مقام معظم رهبری در جمع نخبگان علمی و اساتید دانشگاه در این زمینه فرمودند: "پیشرفت علمی بایستی با خودباوری، امید به موفقیت و حرکت جهادگونه همراه باشد. بنابراین لزوم تقویت روحیه خودباوری و ایجاد روحیه پرسش‌گری و اجتهاد علمی برای دستیابی به استقلال علمی ضروری به نظر می‌رسد.

## ۲. راهبرد بصیرت‌افزایی (شناخت محیط و زمانه، دوست، دشمن، اولویت‌ها و نیازمندی‌ها)

یکی از ویژگی‌های یاوران حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریفة و مؤثر در تحقق دولت آن حضرت، بصیرت است. واژه‌ای کانونی که نقش بسزایی در ایجاد و ابقای حاکمیت دین و رسیدن به تمدن نوین دارد. بصیرت در زبان فارسی به معنای "بینش، زیرکی، هوشیاری، چشم‌خرد، چشم‌عقل و دیده‌دل، دانایی، بینایی و آگاهی آمده است" (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۸۵۳). لغت دانان عرب درباره معنای بصیرت آرای متعددی دارند. برخی بصیرت را به معنای

"عبرت گرفتن، ثبات در دین" (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۲/۱۲۴)؛ و "قوه فهم و درک آدمی" (راغب، ۱۴۱۲: ۱۲۷) نیز آورده‌اند. راهبرد پیش رو، با محور قرار دادن شاخص بصیرت، فرایند دستیابی به آن را بر اساس داده‌های قرآنی بررسی می‌کند و تلاش دارد الگویی برای متصف شدن به بصیرت ارائه کند. با نگاهی دقیق به متون دینی، می‌توان دانست که بصیرت زمانی حاصل می‌شود که فرایند آن پیموده شود. یعنی شناخت محیط و زمانه، دوست، دشمن، اولویت‌ها و نیازمندی‌ها صورت گرفته باشد. در این مجال به دو راهکار برای عملیاتی شدن راهبرد بصیرت افزایی از نگاه قرآن اشاره می‌شود.

الف) عبرت‌پذیری از تاریخ: قرآن کریم موعظه برای همه انسانها و موجب هدایت مؤمنان است «یا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (یونس/۵۷) "ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست؛ و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان" از موعظه‌های این کتاب، عبرت‌پذیری اس «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ» (حشر/۲) "عبرت بگیرید ای صاحبان چشم" تعبیر به "اولی الأبصار" (صاحبان چشم) اشاره به کسانی است که حوادث را به خوبی می‌بینند، و با چشم باز موشکافی می‌کنند، و به عمق آن می‌رسند و آمادگی گرفتن درسهای عبرت دارند. منظور از گرفتن "عبرت" این است که حوادث مشابه را که از نظر حکم عقل یکسانند بر هم مقایسه کنند، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۳/۴۹۲) در حدیثی از امام صادق ع می‌خوانیم (کان اکثر عبادة ابي ذر رحمه الله التفکر و الاعتبار) "بیشترین عبادت ابو ذر تفکر و عبرت گرفتن بود" (نور الثقلین جلد ۵ صفحه ۲۷۴). عبرت‌پذیری از طرق مختلفی کسب می‌شود از جمله تفکر و تعقل (روم/۸، محمد/۲۴). در این ساحت همه چیز عالم می‌تواند نشانه‌ای برای صاحب بصیرت قرار گرفته و او را تعالی بخشد (ذاریات/۲۰ و ۲۱). از ثمرات این تفکر، بصیرت و نیروی تحلیل صحیح، تقوا، عبرت‌گیری و آگاهی از مسائل روز است زیرا قرآن برای تمامی انسان‌ها بصیرت آفرین است. «هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُّوقِنُونَ.» (جاثیه/۲۰) از آن جهت به نشانه و دلایل روشن و

قاطع الهی بصائر گفته‌اند که موجب بینایی قلب و درک حقایق به وسیله آن می‌شود. (دایرة المعارف قرآن، ج ۵) و اگر انسان بصیرت نداشته باشد، نامش بعد از چهارپایان برده می‌شود «أَنْعَامُهُمْ وَ أَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ» (سجده/ ۲۷)

بر همین اساس قسمتی از بیانیه چنین است "«عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه خود یا گوش سپردن به تجربه دیگران نمی‌توان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌افدا) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهزنان فکر و عقیده و آگاهی بسیاریند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمی‌توان شنید.» در اهمیت این راهبرد باید به این نکته توجه داشت که غفلت از این راهبرد ما را در آینده دچار تهدیدهای ناشناخته خواهد کرد.

در بیانیه گام دوم با الهام از آیات قرآن، تاریخ معلم انسان‌ها و بهترین میزان تجربی بشر برای سنجش، تحلیل، آینده‌نگری و بالا بردن بصیرت دانسته شده است. چون تاریخ همیشه در حال تکرار شدن است و هدف از بیان تاریخ عبرت و پندگیری است. «قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُوَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ» (آل عمران/ ۱۳) "در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر) با هم رو به رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: يك گروه، در راه خدا نبرد می‌کرد؛ و جمع دیگری که کافر بود، (در راه شیطان و بت،) در حالی که آنها (گروه

مؤمنان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می‌دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد.) و خداوند، هر کس را بخواهد (و شایسته بدانند)، با یاری خود، تأیید می‌کند. در این، عبرتی است برای بینایان " این آیه در حقیقت بیان نمونه‌ای از عبرت‌پذیری از تاریخ بعنوان راهبرد بصیرت‌افزایی است.

" «عبرة» " عبرة" در اصل از ماده " عبور" گرفته شده است که به معنی گذشتن از حالی به حال دیگر یا از جایی به جای دیگر است، و عبرت گرفتن از حوادث نیز به خاطر آن گفته می‌شود که انسان از آنچه می‌بیند می‌گذرد و از حقایقی در پشت سر آن آگاه می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۳ / ۴۸۸) گرچه حوادث برای همه مایه پند و عبرت است؛ ولی پیش‌نیاز درس گرفتن از نشانه‌ها، بصیرت و بینش است «لِعِبْرَةٍ لِأُولَى الْأَبْصَارِ» "آنها که چشم بصیرت دارند و حقیقت را آن چنان که هست می‌بینند" افراد با ایمان از این حوادث درس عبرت می‌گیرند و می‌دانند سرمایه اصلی پیروزی ایمان است. اهل بصیرت به سبب عبور از ظواهر رخدادها و دست‌یابی به کلیات آن، می‌توانند استنباط جامع و فراگیری داشته باشند و در شرایط و موقعیت‌های مشابه دیگر، رفتاری درست در پیش‌گیرند و خود را در مسیر درست کمالی و بهره‌گیری از رخداد و فرصت قرار دهند. به سخن دیگر، اهل بصیرت به سبب عبرت‌گیری و پندآموزی از هر رخداد، تهدیدی را به فرصت تبدیل می‌کنند و به جای آن که تهدیدات، عامل بازدارنده در مسیر شخص و جامعه شود، به یک فرصت بی‌مانند تبدیل می‌شود که توانایی و ظرفیت‌های وی و جامعه‌اش را افزایش می‌دهد. این‌گونه است که فتنه‌ها به آزمون‌های رشد و بالندگی تبدیل می‌شود و فرصت‌های بی‌مانندی را به شخص بصیر می‌بخشد. خداوند در آیه ۱۰۴ سوره انعام می‌فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ» "آیات الهی و کتب آسمانی که سبب بصیرت شماست البته از طرف پروردگارتان آمد، پس هر کس بصیرت یافت خود به سعادت رسید و هر کس که کور بماند خود در زیان افتاد و من نگهبان شما نیستم" آیه مورد بحث حصول منفعت برای نفس آدمی را از نتایج بصیرت و ژرف‌نگری ارزیابی می‌کند تا این‌گونه



تبیین کند که هر رخداد و آیه‌ای برای این دسته افراد نه تنها ایمان آفرین است بلکه با روشنگری که ایجاد می‌کند موجب می‌شود تا بهترین بهره را از یک رخداد حتی فتنه و بلا ببرد و منافع خویش را افزایش دهد. دستور قرآن مبنی بر نگاه با دقت به تاریخ گذشتگان بر این امر اشعار دارد «فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَدِّبِينَ» (زخرف/۲۵) چرا که شناخت درست و عبرت‌گیری از حوادث تاریخی می‌تواند در بصیرت بخشی و روشن بینی برای رسیدن انسان به هدف نقش اساسی ایفا نماید. بنابراین عبرت‌پذیری از تاریخ و عبرت‌های آن برای هر فرد در دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی اجتناب ناپذیر است.

ب) تشکیل گروه‌های تواصی به حق و صبر در فضای مجازی و حقیقی

امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ صفین مقابل کفار قرار نداشت. نیروهای جبهه مقابل نماز می‌خواندند و ظواهر اسلام را رعایت می‌کردند. ظواهر شرعی جبهه کفر، مردم را متحیر کرده بود و عده‌ای در جبهه حق در تردید بودند که آیا می‌توان به روی برادران دینی خود در سپاه معاویه هستند شمشیر کشید؟ از این قبیل حوادث در تاریخ کم نیستند؛ رهبر انقلاب در این رابطه می‌فرماید: " بصیرت قطب‌نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است به گونه‌ای که اگر کسی این قطب‌نما را نداشت ممکن است ناگهان خود را در محاصره دشمن ببیند. اگر بصیرت نباشد، انسان حتی با نیت خوب ممکن است گمراه شود و در راه بد قدم بگذارد." (بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم چالوس و نوشهر، مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۵) بصیرت یاران علی علیه السلام بود که نجات بخش آنها گردید. از آنجا که تاریخ تکرار پذیر است و جامعه اسلامی قطعاً در شرایطی مشابه قرار خواهد گرفت اهمیت ارتقای بصیرت آحاد جامعه و بویژه نخبگان ضرورت آن روشن می‌شود زیرا در این صورت جامعه در برابر حوادث فتنه‌انگیزی که ممکن است جامعه را از مسیر حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی منحرف می‌نماید بیمه می‌شود.

زمان کنونی در مواجهه با دشمن فعال و هوشمند به دو عنصر مهم " بصیرت " و " صبر " نیاز است؛ بصیرت بدین معنا که انسان در شناخت راه درست دچار اشتباه و انحراف نشود

و صبر هم یعنی استقامت و پایداری در پیمودن صراط مستقیم و هدف ارزشمندی چون رسیدن به تمدن نوین اسلامی. اگر این دو عنصر وجود داشته باشد رسیدن به آرمان تمدن نوین اسلامی میسر است. از آنجا که مسیر حق مسیری صعب العبور است و عبور از آن به تنهایی ممکن نیست و نیازمند به حرکت گروهی و داشتن تجهیزات از قبیل بصیرت و صبر است خداوند متعال در سوره عصر می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر/ ۲ و ۳) "انسانها در [حال] زیانند، مگر مؤمنان نیکوکار که یکدیگر را به رعایت حق و شکیبایی توصیه کردند. "اگر ایمان آوردید و عمل صالح انجام دادید باز هم خطر انحراف برای انسان وجود دارد زیرا انسان به تنهایی نمی‌تواند در مسیر حق حرکت کند و از آنجا که ایمان و اعمال صالح هرگز تداوم نمی‌یابد مگر اینکه حرکتی در اجتماع برای دعوت به سوی حق و شناخت و معرفت آن از يك سو، و دعوت به استقامت و صبر در طریق انجام این دعوت از سوی دیگر صورت پذیرد، در این سوره به دنبال این دو اصل، به دو اصل اشاره می‌فرماید که در حقیقت ضامن اجرای دو اصل اساسی "ایمان" و "عمل صالح" است. در اصل سوم به مسأله "تواصی به حق" یعنی دعوت همگانی و عمومی به سوی حق اشاره می‌کند، تا همگان حق را از باطل به خوبی بشناسند و هرگز آن را فراموش نکنند در مسیر زندگی از آن منحرف نگردند. راغب در مفردات "تواصوا" را از ماده "تواصی" آورده و به معنی آن است که "بعضی بعض دیگر را سفارش کنند و" حق" به معنی "واقعیت" یا "مطابقت با واقعیت" است. در تفسیر نمونه آمده است: جمله "تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ" معنی بسیار وسیعی دارد که هم "امر به معروف و نهی از منکر" را شامل می‌شود، و هم "تعلیم و ارشاد جاهل" و "تنبيه غافل" و "تشویق" و "تبلیغ" ایمان و عمل صالح را. بدیهی است کسانی که یکدیگر را به حق سفارش می‌کنند، خود باید طرفدار حق و عامل به آن باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۷/۳۰۲) جوانان که مخاطب اصلی بیانیه گام دوم هستند می‌توانند به عنوان یک راهبر با تاسی از این آیه در فضای مجازی و حتی فضای حقیقی گروه‌هایی تشکیل دهند که در این گروه‌ها همدیگر را تواصی به حق و ارزشهای

دینی از جمله بصیرت افزایی و نیز برای کسانی که احتمالاً با آفت ها و آسیب های جامعه رو به رو می شوند توأسی به صبر نمایند. چرا که بعد از مساله شناخت و آگاهی، هر کس در مسیر عمل در هر گام با موانعی روبرو است اگر استقامت و صبر نداشته باشد هرگز نمی تواند احقاق حق کند، و عمل صالحی انجام دهد و یا ایمان خود را حفظ کند و در مسیر رسیدن به تمدن نوین اسلامی حرکت کند. بنابراین با توجه به این که ایمان و عمل صالح لازمه حرکت در مسیر رسیدن به تمدن نوین اسلامی هست ولی برای کافی نیست؛ تشکیل این گروه ها ضروری به نظر می رسد که می تواند علاوه بر روشننگری و بصیرت افزایی به استقامت و ایستادگی در راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی مفید باشد.

### ۳. راهبرد اقتصادی

در آیات قرآن مسئله اقتصاد به عنوان ابزاری کارآمد و اصلی کالبدساز در کنار مسائل مهمی عبادی همچون نماز قرار گرفته است. (يَقِيْمُوْنَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُوْنَ ) (بقره/۳) "پرهیزکاران نماز را برپا می دارند؛ و از تمام نعمتها و مواهبی که به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند" زیرا سعادت و کمال انسان در اموری همچون تعبد و تحقق اقتصادی سالم شکل می گیرد (اعراف/۸۵، هود/۸۴ تا ۸۶) و لذا امور اقتصادی در ایجاد بسترهای مادی و معنوی فرد و جامعه و اعتلای آنها نقشی اساسی ایفا می کند. آیه ۳۵ سوره نساء در تأیید این نکته اشاره می نماید که جامعه انسانی با اقتصادی سالم قوام می یابد. پیامبرانی مثل حضرت داود عليه السلام، یوسف عليه السلام، شعیب عليه السلام و نیز پیامبر اسلام به مسئله اقتصاد در تحقق جامعه آرمانی توجه ویژه ای داشتند. بر اساس آیات قرآن می توان راهبرد جامع اقتصادی برای تحقق تمدن نوین اسلامی بیان نمود:

اقتصاد مقاومتی:

تحریم واژه ای نام آشنا است که پس از انقلاب اسلامی همواره به عنوان ابزاری برای استفاده دنیای غرب و به خصوص آمریکا در جهت نیل به مقاصد خود و عقب نگه داشتن جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. اگرچه پس از پیروزی انقلاب اسلامی،

کشورمان همواره مورد تحریم بوده است؛ ولی شدت و هدفمندی تحریم‌ها در چند سال اخیر افزایش یافته است. با توجه به شرایط فشار و اعمال تحریم یک‌جانبه غرب علیه کشورمان، مفهوم اقتصاد مقاومتی به عنوان اقتصادی که توانایی دفع فشارها و تحریم‌ها را داشته باشد و در عین حال اقتصادی شکوفا باشد برای وضعیت امروزه کشور بهترین راه چاره است. «اقتصاد مقاومتی» نامی است که مقام معظم رهبری بر این راهکار قرآنی نهاده‌اند. «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند. اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی نیست». (بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز میلاد پیامبر ﷺ؛ ۱۳۸۹/۱۲/۰۲). «اقتصاد مقاومتی» اقتصادی مقاوم در برابر هر تلاطم در اقتصاد دنیایی است که بر اساس سیطره ظالمان دنیا شکل گرفته باشد و بتواند نیازهای اساسی کشور اسلامی را تأمین و تضمین کند. آیاتی از قبیل آل عمران/۱۳۹، توبه/۲۸، هود/۱۱۲، فصلت/۳۰، شوری/۱۵، فتح/۲۹، از جمله آیاتی است که می‌تواند مبنای ایجاد اقتصاد قرآنی را از آن استخراج کرد. پیش‌زمینه ایجاد آن، روحیه تعاون در جامعه اسلامی و مصمم بودن در مقابل دشمنان می‌باشد. با در نظر داشتن پیام استقلال اقتصادی جامعه اسلامی از آیه نفی سبیل (نسا/۱۴۱) و آیاتی که مؤمنان را از دوستی با دشمنان برحذر می‌دارد (نساء/۱۴۴، مائده/۵۱، ممنحنه/۱) قرآن راه کار جامع دست‌یابی به اقتصادی مقاوم و بدون وابستگی به بیگانگان که با استقامت و تکیه بر توان داخلی از درون جامعه اسلامی جوشش داشته باشد را پیش روی جامعه اسلامی قرار می‌دهد. چند راهبرد قرآنی برای اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی ارائه می‌شود:

۱. قناعت و پرهیز از مصرف‌گرایی: اقتصاد قرآنی برخلاف اقتصاد غربی، بر قناعت و پرهیز از مصرف‌گرایی تأکید دارد و در بُعد مصرف در قالب دوری از اسراف و تجمل پرستی مطرح می‌شود. مصرف بیش از اندازه و مصرف‌گرایی تقلیدی در جامعه منجر به افزایش واردات، خروج سرمایه‌های کشور و در نتیجه وابستگی جامعه به خارج از کشور می‌شود.

وابستگی مضر به خارج از کشور نیز صدمات و لطماتی را با خود به همراه دارد و کشور را آسیب پذیر می‌کند. وابستگی به خارج از کشور مانند اقتصاد نفتی، در اقتصاد اسلامی و در اقتصاد مقاومتی پذیرفته نیست و جزو شاخص‌های یک اقتصاد مستقل نیست. نتیجه تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری از دست دادن روحیه انقلابی‌گری است زیرا فرد مؤمن را از جبهه حق خارج و در زمره برادران شیطان قرار می‌دهد. قرآن کریم برای در امان ماندن از خطر نفوذ شیطان و خروج از جبهه حق، مؤمنان را از این صفت مخرب برحذر می‌دارد «وَلَا تُبَدِّلْ تَبَدُّيرًا \* إِنَّ الْمُبَدِّلِينَ كَانُوا الْخَوَانَ الشَّيَاطِينِ» (اسراء، ۲۶ و ۲۷)

قناعت و پرهیز از مصرف‌گرایی با حفظ منابع داخلی و در نتیجه قطع وابستگی به بیگانگان سبب اقتصادی مقاوم می‌شود.

۲. اصلاح مبانی و باورهای عقیدتی مردم: اسلام مسئله اقتصاد را به‌عنوان جزئی از مجموعه قوانین خود که تنها می‌تواند قسمتی از نواحی حیات انسانی را تنظیم کند، مورد توجه قرار داده و حل مشکلات اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی مردم می‌داند «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف/ ۹۶) "و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم" یعنی از برکات آسمانی و برکات زمینی هر دو برخوردار خواهند شد. آیا چنین امت‌های مؤمنی هرگز با کمبود منابع اقتصادی مواجه خواهد شد؟

بعنوان مثال وقتی در جامعه باور مردم به رزاقیت خداوند باشد دیگر تحریم دشمن بهانه‌ای نمی‌شود تا به جای اینکه نگاه مردم و مسؤلان به داخل کشور معطوف باشد نگاهشان به دست دشمن دوخته باشد. باور به خداوندی که رزاق کوچکترین حیوانات در بیابان است؛ باور به همان خداوند می‌تواند در برابر تحریم‌های اقتصادی دشمن کشور را حفظ نماید. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت وقتی باور صحیح و ایمانی راسخ به خداوند باشد به جای اینکه رزق خود را از بیگانگان مطالبه کند و به فکر ارتباط با بیگانگان باشد نگاه خود را به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی معطوف می‌نماید. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

"امروز ایرانی احساس می‌کند که خود قادر به اداره کشور، قادر بر سازندگی، قادر بر عبور از موانع و قادر بر ابتکار و نوآوری است و این همان سرمایه لایزالی است که هر ملتی را در رسیدن به هدف‌های خود کامیاب می‌سازد و همین است که در ۲۰ سال گذشته آن همه افتخارات را در زمینه‌های علمی و صنعتی و نظامی و سیاسی نصیب ملت ایران کرده است." (پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی؛ ۱۳۷۷/۲۱/۱۱)

۳. توجه به تقویت تولید داخلی در اقتصاد کشور بر مبنای آیات قرآن: خداوند متعال آبادانی زمین را به انسان واگذار نموده است و در آیات فراوانی انسان را به تلاش بر روی زمین در راه آبادانی بیشتر و بهره رساندن به دیگران دعوت و راهنمایی کرده است. «هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها» (هود/۶۱): خداوند کسی است که عمران و آبادی زمین را به شما سپرد و قدرت و وسائل آن را در اختیارتان قرار داد» تولید در اقتصاد اسلامی باید سالم و سازنده و حلال مد نظر قرار گیرد و از اسراف در تولید دوری شود زیرا وقتی تولید از لحاظ کمیت و کیفیت سالم باشد و مطابق با آموزه‌های دینی اجرا شود نگاه به اجناس و اقلام بیگانگان دوخته نمی‌شود در نتیجه وابستگی به کفار را قطع می‌کند. اقتصاد اسلامی مبتنی بر وحی می‌باشد در حالی که مسیر نظریه پردازان اقتصاد سرمایه‌داری حول محورهای مطلوبیت، سود و رفاه مادی می‌باشد. از نگاه قرآن تولید مقدمه رسیدن به اقتدار و خودکفایی اقتصادی است. تولید از نگاه قرآن به اشکال مختلفی صورت می‌گیرد.

#### ۱. تشویق به کشاورزی:

خداوند متعال انسان‌ها را به سمت کشاورزی سوق می‌دهد که نیازهای حیاتی خود و حتی چهارپایان خود را تأمین کنند. «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ» "آیا ندیدند که ما آب را بسوی زمینهای خشک می‌رانیم و بوسیله آن زراعت‌هایی می‌رویانیم که هم چهارپایانشان از آن می‌خورند و هم خودشان تغذیه می‌کنند" (نحل/۲۷). کشاورزی بعنوان موتور محرک رشد و توسعه اقتصادی است و سرمایه‌گذاری این بخش علاوه بر رشد تولید و اشتغال در این بخش، به رشد تولید

واشغال در سایر بخش های دیگر اقتصادی نیز کمک نموده ولذا شناسایی عوامل موثر بر سرمایه گذاری در بخش کشاورزی و اتخاذ سیاست های مناسب برای گسترش سرمایه گذاری از اهمیت فراوانی برخوردار است. مقام معظم رهبری فرمودند: "عرصه کشاورزی را یکی از مهم ترین مؤلفه های ایجاد و حفظ استقلال و امنیت پایدار و با ثبات برای کشورها تلقی نموده و عاملی مهم و تأثیرگذار در معادلات بین المللی به حساب می آورند و معتقدند، این بخش در قیاس با بخش صنعت از اهمیت بیشتر و بالاتری برخوردار است، زیرا نابودی بخش کشاورزی در هر کشور می تواند، خطر افزایش وابستگی و گسترش ناامنی به خصوص در شرایط بحرانی مانند؛ زمان وقوع جنگ های گسترده را به شدت افزایش داده و حیات و سلامت مردم را در معرض خطر جدی قرار دهد. (بیانات در دیدار نخبگان علمی و اساتید دانشگاه ها؛ ۱۳۸۷/۰۷/۰۳) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3851>

پس می توان با اعمال فکر و به کار گرفتن نیروهای درونی و برونی جوانان ایرانی به خواسته الهی مبنی بر آبادانی زمین جامه تحقق ببوشانند و استعداد های نهفته زمین را به فعلیت درآورد زمین را آباد ساخت و مورد استفاده و بهره گیری قرار داد؛ کافی است که به خودکارآمدی برسیم.

## ۲. تشویق به دامپروری:

از نگاه قرآن دومین اولویت تولیدی پس از کشتاورزی، دامپروری است؛ زیرا رشد و پیشرفت در کشاورزی زمینه مناسب را برای فعالیت های دامپروری مهیا می سازد، خداوند متعال چهارپایان را سرمایه عظیمی برای انسان معرفی می کند (غافر/۷۹) و توجه فکری انسان را به آن سوق می دهد (نحل/۶۶) از این رو، خداوند در آیات بسیاری از قرآن مردم را به پرورش دام دعوت می کند این خود نشان از اهتمام راهبردی قرآن به صنعت دام است «و الْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (نحل / ۵)؛ « و چهارپایان را آفرید؛ در حالی که در آنها، برای شما وسیله پوشش، و منافع دیگری است؛ و از گوشت آنها می خورید» این آیه با بیان فواید موجود در چهارپایان به انسانها می فهماند که با روی آوردن به

این امر مهم می‌توان بدون اینکه محتاج و وابسته به دیگران بخش زیادی از احتیاجات خود را در زمینه خوراک، پوشاک و وسایل زندگی تأمین نمود.

۳. صنعت: تولیدات صنعتی تسهیل کننده تولیدات در دیگر بخش‌ها از جمله کشاورزی و دامپروری است. از مبانی قرآنی بر می‌آید جامعه اسلامی باید بتواند کالاهایی که حیات و قوام جامعه به آن نیاز دارد را تولید کند (حدید/۲۵، سبأ/۱۲ و ۱۳) همچنانکه خواهان پیشستازی نظام اسلامی در بخش صنعت است طوریکه گوی سبقت را از دشمنان اسلام بر بایند (انفال/۶۰). نکته قابل توجه اول اینکه در برابر ایده کسانی که در زمان ما نیاز صنعت دفاعی کشور به موشک را زیر سؤال می‌برند قرآن به اقتدار صنعت در بخش نظامی و دفاعی اهمیت ویژه‌ای قائل است زیرا خود خداوند آموزش ساخت وسیله دفاعی زره به داوود علیه السلام پیامبر را بر عهده می‌گیرد (سبأ/۱۲ و ۱۳). در دومین نکته به مسئولین کشور گوشزد می‌کند داوود علیه السلام به جای نیازمندی به بیت المال، از دسترنج خود استفاده می‌کرد ضمن آنکه به گفته قرآن منفعت زرهی که این پیامبر صنعت‌گر می‌ساخت، علاوه بر خودش به تمام مردم هم می‌رسید. رعایت همین نکته از این آیات مانع بروز فساد و اختلاس‌های چند هزار میلیاردی در کشور خواهد شد.

##### ۵. تجارت:

قرآن کریم نگاه ویژه‌ای به تجارت دارد و همین بس که در کنار اجرای مناسک بزرگترین اجتماع مسلمانان جهان (موسم حج) بازرگانی و تجارت را قرار می‌دهد (بقره/۱۹۷) شاید به این دلیل باشد که تجارت مسبوق به کار تولید است و از آنجا که در قبل بدان اشاره شد تولید نیز وابسته به صنعت است در نتیجه زمانی که تجارت رونق داشته باشد به تبع آن چرخ تولید و صنعت هم می‌چرخد و این همان معنای اقتصاد پویایی است که در صورت وجود زیر ساخت‌های داخلی (عدم وابستگی به بیگانگان) از آن به اقتصاد مقاومتی نام برده می‌شود.

##### ۶. استقلال اقتصادی:



از آنجا که مستکبرین جهان می‌خواهند نفوذ خود را در ممالک اسلامی گسترش داده و دارایی آن‌ها را به تاراج ببرند همواره درصدد هستند تا کشورهای مستقلی از جمله جمهوری اسلامی ایران را به خود وابسته کرده و آنها را به یک نظام بی‌اثر در جهان تبدیل نمایند. بر همین اساس وابستگی و اعتماد به دشمن چراغ سبز پذیرش سلطه دشمن است و باعث ایجاد روزنه نفوذ تدریجی دشمن بر اقتصاد و سایر عرصه‌های جامعه می‌شود. زیرا پذیرش سلطه دشمن، در شکل وابستگی آشکار می‌گردد. این وابستگی از هر نظر که باشد، نتیجه‌ای جز فساد در جامعه به بار نخواهد آورد مخصوصاً در مسئله مهم اقتصاد که شاکله و کالبد جامعه به آن وابسته است.

به عنوان مثال وابسته کردن اقتصاد کشور به خارج سبب کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و از بین رفتن تولید ملی با هجوم کالاهای خارجی در سایه توافق صورت گرفته شده است. باید به این موضوع توجه کرد که باز شدن بازارهای داخلی به روی خارجی‌ها به وابسته شدن کشور به بیگانگان کمک خواهد کرد. غفلت مسلمانان؛ تسهیل کننده و یکی از علت‌های استعمار جوامع اسلامی است. آیه نفی سبیل «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱) اصلی از اساسی‌ترین برنامه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی را بیان می‌کند. قرآن کریم حفظ استقلال اقتصادی را مورد تأکید قرار داده است. به عنوان نمونه در تفسیر نمونه منظور از "جمال" در آیه ۶ سوره نحل «وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ» و در چهارپایان برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که آنها را به استراحتگاهشان بازمی‌گردانید، و هنگامی که (صبحگاهان) به صحرا می‌فرستید" منظره جالب حرکت دستجمعی گوسفندان و چهارپایان به سوی بیابان و چراگاه سپس بازگشتشان به سوی آغل و استراحتگاه است که قرآن از آن تعبیر به "جمال" کرده تنها یک مساله ظاهری و تشریفاتی نیست، بلکه بیانگر واقعیتی است در اعماق جامعه، و گویای این حقیقت است که چنین جامعه‌ای خودکفا است، فقیر و مستمند و وابسته به این و آن نمی‌باشد، خودش تولید می‌کند، و آنچه را خود دارد مصرف می‌نماید. این در واقع جمال

استغناء و خودکفایی جامعه است، جمال تولید و تامین فرآورده‌های مورد نیاز يك ملت است، و به تعبیر گویاتر جمال استقلال اقتصادی و ترك هر گونه وابستگی است! استقلال و غنای اقتصادی بیان شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱/ ۴۶۴) ضروری است به این سطح از درک رسید که برخورداری از خودکارآمدی و روحیه خودباوری است که اجازه شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی را می‌دهد و اجرای این راه‌کار قرآنی در سایه مدیریت جهادی با روحیه انقلابی به ثمر می‌نشیند. مقام معظم رهبری معتقدند که اقتصاد مقاومتی اقتدار ملی، استقلال و خودکفایی اقتصادی را فراهم می‌کند. بنابراین می‌توان گفت اقتصاد مقاومتی با هموار کردن مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی نقش محوری و اساسی در تحقق آن دارد.

۶. توجه به آفات فعالیت‌های اقتصادی (نسا/۲۹):

در کنار انجام فعالیت‌های اقتصادی به این مهم باید توجه داشت همانگونه که آموزه‌های قرآنی به تولید و تجارت پرسود و مفید اهمیت می‌دهد چهارچوب و خطوط قرمزی نیز برای مصونیت از هرگونه آفات اقتصادی از جمله تقلب، تجاوز، غش و معاملات ربوی و خرید و فروش کالاهایی که فایده عقلایی ندارد برحذر داشته است. به عنوان مثال ربا باعث اختلاف و ناامنی می‌شود. آثار بدش اساس دین را از بین می‌برد و زندگی انسان را تباه کرده و فطرت الهی را نابود می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲/ ۴۱۳) بنابراین توجه به خطوط قرمز در فعالیت‌های اقتصادی که قرآن به آن اشاره دارد سبب می‌شود که چرخ تولید بچرخد در حالی که بدون انحراف از مسیر خود به حرکت خود ادامه می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

تبیین راهبردهای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان موتور پیشران برای آینده انقلاب اسلامی از زوایای گوناگونی قابل بررسی است. در این مقاله از جنبه قرآنی به آن نگرین شده که با استفاده از داشته‌ها و ظرفیت‌های موجود و با توجه به تهدیدها و موانع و گذر از آنها به وضعیت مطلوب، راهبردهایی استخراج شد. نتایج این مطالعات نشان داد که:

۱. تمدن نوین اسلامی، تمدنی است که ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و مادی

انسان‌ها بعد معنوی و روحی آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند و این ساختار مطلوب که ریشه در برنامه‌های انسان‌ساز اسلامی دارد نه تنها بعد مادی و سخت‌افزاری تمدن را نفی نمی‌کند بلکه به آن جهت داده و آن را از آفاتی که بشر دچار آن شده است در زندگی نجات خواهد داد.

۲. بهترین علم آن است که نتیجه آن شناخت انسان و کاربرد آن اصلاح او باشد. بنابراین برای رسیدن به کمال انسان بایستی به سراغ علومی رفت که حقیقت انسان یعنی روح را مورد توجه قرار داده و زمینه ساز شکوفایی مراتب روح انسان از حیث معارف مورد نیاز او باشد و این تنها علمی است که دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی را محقق می‌کند. در این صورت تولید علم در خدمت رشد و اعتلای تمدن اسلامی خواهد بود. در راهبرد علم و پژوهش، شاخص علم و تولید علم و فناوری یکی از پایه‌های تمدن‌سازی و بقاء آن است. البته علمی متصل به وحی و نه مبتنی بر عقل بشری. در همین راستا باید دستیابی به مبانی، اصول، مفاهیم و روش‌های پاسخ‌یابی و حل مسائل بر اساس آموزه‌های وحیانی در خصوص علوم انسانی صورت پذیرد.

۳. بصیرت واژه‌ای است کانونی و نقش بسزایی در ایجاد و ابقای حاکمیت دین در عصر ظهور دارد. عبرت‌پذیری از تاریخ و تشکیل گروه‌های تواصی به حق و صبر در فضای مجازی و حقیقی بعنوان دو راهبردی است که تسهیل‌کننده دست‌یابی به بصیرت بعنوان لازمه پیمودن جاده تمدن نوین اسلامی است.

۴. بهترین راهبرد اقتصادی از نگاه قرآن دست‌یابی به اقتصادی مقاوم و مستقل بدون وابستگی به بیگانگان است که با تکیه بر توان داخلی از درون جامعه اسلامی جوشش داشته باشد. ضروری است به این سطح از درک رسید که برخورداری از خودکارآمدی و روحیه خودباوری است که اجازه شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی را می‌دهد و اجرای این راه‌کار قرآنی در سایه مدیریت جهادی با روحیه انقلابی به ثمر می‌نشیند.

## منابع

۱. قرآن حکیم و شرح آیات منتخب، ۱۳۹۰ ش، ترجمه مکارم شیرازی، قم، پنجم، اسوه.
۲. ایروانی، جواد و دیگران، ۱۳۹۵، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، مشهد، ج ۲، اول، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۳. ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ ق، تهذیب اللغة، بیروت، سوم، دار احیاء التراث العربی.
۴. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، تهران، ششم، دانشگاه تهران.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، اول، دمشق (بیروت)، دارالعلم الدارالشامیه.
۶. رایبیز، استیفن، ۱۳۹۶، تئوری سازمانی، ترجمه سید مهدی الوانی، تهران، ۴۶، صفار.
۷. رضاییان، علی، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه بین مدیریت تنوع و بهره‌وری نیروی انسانی»، در چشم‌انداز مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۴.
۸. خمینی، روح الله (۱۳۸۵). صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی. تهران، چاپ چهارم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ و نشر عروج.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۸ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. علیزاده، حمید، ۱۳۸۹، «مقایسه اثربخشی دو روش آموزش والدین با رویکرد آدلری و رفتاری بر کاهش شدت نشانه‌های اختلال سلوک در کودکان»، کودکان استثنایی، شماره ۳۷، ص ۲۲۵ تا ۲۳۶.
۱۱. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۳۷۱، تفسیر کبیر، تهران، ج ۱۸، چهارم، اساطیر.
۱۲. کردنائیج، اسدالله، ۱۳۹۶، تفکر و مدیریت استراتژیک «تئوری و عمل»، تهران، اول، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۳۸۹، بحارالانوار، بیروت، ششم، دار احیاء التراث العربی.

۱۴. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۸، منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، سوم، دارالحدیث.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۹، گفت و گوی تمدن‌ها در قرآن و حدیث، با همکاری رضا برنجکار، ترجمه محمدعلی سلطانی، قم، چاپ اول، دارالحدیث.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، تهران، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. مهرعلیزاده، بهار ۱۳۸۸، «به کارگیری الگوی اروپایی تعالی سازمانی»، مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، دوره ۱۵، شماره ۱، ص ۳ تا ۲۸.

